

دولت و مدل امنیت سیاسی مطلوب در جامعه دینی

عباسعلی رهبر^۱

فرزاد سوری^۲

(تاریخ دریافت: ۹۴/۰۸/۲۳ - تاریخ تصویب: ۹۵/۰۳/۲۹)

چکیده

امنیت به مثابه مهم‌ترین کارکرد یک دولت از مقوله‌های اساسی است که نیاز به آن در تمام ابعاد زندگی بشری به نحوی مؤثر احساس می‌شود و پیوندی ناگسستنی با جوهر هستی انسان دارد. اندیشمندان سیاسی، برقراری امنیت در جامعه را از وظایف اصلی دولت‌ها می‌دانند. این مسئله در اسلام نیز از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار بوده؛ همواره طراحی آن در بستر نظام سیاسی اسلامی مورد توجه بوده است و در قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین منبع اسلامی به گستردگی آن اشاره شده است. قرآن کریم امنیت را یکی از اهداف استقرار و حاکمیت خداوند و استخلاف صالحان و طرح امامت بر می‌شمارد. امنیت در قرآن کریم نیز دارای سطوح مختلفی است که امور معنوی، فردی، اجتماعی، سیاسی و... را در بر می‌گیرد. در این مقاله تلاش می‌شود تا با بهره‌گیری از آثار مفسرین قرآن کریم مفهوم امنیت سیاسی را به مثابه کارکرد اصلی دولت در منظومه معرفتی قرآن کریم مورد بررسی قرار گیرد. این انتخاب با توجه به تقسیم‌بندی دین اسلام در سه قالب اسلام حق (آیات قرآن کریم و سیره

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) (ab.rahbar@yahoo.com)

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (Farzad.s1364@yahoo.com)

معصومین «ع»، اسلام محقق نظری (آرا دانشمندان مسلمان) و اسلام محقق در عمل مسلمانان عادی و عملکرد دولتمردان صورت پذیرفته و بر مبنای طبقه‌بندی شناخته شده از دین اسلام یعنی «اعتقادات، اخلاقیات و احکام»، سه نوع امنیت سیاسی «کلامی - فکری»، «اخلاقی - روانی» و «کنشی - رفتاری» را در قرآن کریم به‌مثابه اسلام حق گونه‌شناسی می‌کند تا در نتیجه به تبیین امنیت سیاسی در چارچوب دولت اسلامی بپردازد.

کلیدواژه‌ها: دولت، امنیت، امنیت سیاسی، جامعه دینی



مقدمه

امنیت از مقوله‌های اساسی است که نیاز به آن در تمام ابعاد زندگی بشری به- نحوی ملموس و مؤثر احساس می‌شود و از دیرباز تاکنون تلاش در جهت ایجاد آن در حیات انسانی، منشأ تحولات و دگرگونی‌های فراوانی شده است. بشر از آغاز ورود به پهنه‌ی هستی، با معمای امنیت روبرو شد؛ زیرا عوامل محیطی مهم‌ترین خطر نسبت به حیاتی‌ترین ارزش بشری، یعنی زندگی به‌شمار می‌آمد؛ خطراتی که بسیاری از آنها از سوی نیروهای طبیعی بود. بر این اساس می‌توان گفت که جستجوی امنیت پیوند ناگسستنی‌ای با جوهر هستی انسان دارد و حفظ ذات و صیانت نفس از اساسی‌ترین امیال انسان می‌باشد. انسان‌ها به‌طور کلی در پی برآوردن نیازهای زیستی با یکدیگر وارد مناسبات گوناگون می‌شوند و تشکیل جامعه می‌دهند. بنابراین مهم‌ترین نیاز هر جامعه، خواه یک طایفه یا قوم کوچک یا یک کشور را می‌بایست تأمین امنیت آن جامعه و افراد دانست (روشندل، ۳: ۱۳۷۴).

به‌طور کلی انسان که به اقتضای خلقتش اجتماعی آفریده شد، ناچار از وابستگی به «دیگری» و «دیگران» است و در طول تاریخ حیات پر فراز و نشیب خود در تأمین آرامش داخلی و آسایش اقتصادی و ایمنی در برابر تهدیدات فراوان، اندیشیدن و ابتکارات و خلاقیت‌های تکامل یافته خود را برای فراهم کردن وسایل گوناگون برای رسیدن به این مقصود به‌کار گرفت. تدوین چارچوب‌های مختلف انضباطی و وضع قوانین و مقررات جمعی منتهی به ایجاد حکومت برای اداره جامعه، از جمله مهم‌ترین ابزارها و وسایلی است که برای تأمین نیازهای امنیتی به جامعه بشری معرفی شده است. مجموعه این ابتکارات و خلاقیت‌ها در نهایت به ایجاد و گسترش چتری حمایتی منجر می‌شود که در سایه آن، فرد و جامعه به بقا و حیات خود تداوم می‌بخشند و در نبود آن به وضعیتی می‌رسند که به آن آنومی (بی‌قانونی و عدم تعادل در شرایط اجتماعی) گفته می‌شود



(ذاکر اصفهانی؛ صادقی، ۱۳۸۷: ۵۳-۵۲).

اندیشمندان سیاسی برقراری امنیت و ثبات در یک جامعه را به‌طور کلی از وظایف اصلی حکومت‌ها می‌دانند. در واقع از گذشته‌های دور تا کنون، کار ویژه اصلی، اولیه یا حداقل دولت، تأمین امنیت جان مردم از خطرات داخلی و خارجی و نهادینه کردن امنیت جمعی بوده است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۷). مقوله امنیت در اسلام از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار بوده و همواره طراحی آن در بستر نظام اسلامی مورد توجه بوده است. این مفهوم از جمله موضوعاتی است که در قرآن به‌عنوان مهم‌ترین منبع در اسلام، به‌گسترده‌گی به آن اشاره شده است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۵۱). قرآن در واقع اولین منبع احکام اسلامی است که امنیت را یکی از اهداف استقرار حاکمیت خداوند و استخلاف صالحان و طرح امامت بر شمرده است. آیه زیر به این مسئله اشاره دارد: و عدالله الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضى لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم ءامنا یعبدونى لا یشرکون بى شیا و من کفر بعد ذلک فأولئک هم الفسقون (نور، آیه ۵۵) و خدا به کسانی که از شما بندگان ایمان آورد و نیکوکار گردند، وعده فرمود که (در ظهور امام زمان «عج») در زمین خلافت دهد (و به‌جای امم سالفه حکومت و اقتدار بخشد)، چنان‌که امم صالح پیغمبران سلف، جانشین پیشینیان خود شوند و علاوه بر خلافت، دین پسندیده آنان را (که اسلام واقعی است) بر همه ادیان، تمکین و تسلط عطا کند و به همه مومنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی بی هیچ شائبه شرک و ریا پرستش کنند و بعد از آن هر که کافر شود به حقیقت همان فاسقان تبهکارند. امنیت در اسلام دارای سطوح مختلفی است که در نگاهی همه‌جانبه، امور معنوی، فردی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، اقتصادی، حقوقی و فرهنگی را در بر می‌گیرد (نظری؛ سازمند، ۱۳۹۸: ۳۴).

به‌طور کلی مواردی چون باور به اصل توحید، التزام داشتن و تعهد به قوانین



الهی، برقراری عدل و قسط، حق حیات، حق کرامت انسانی، حق آزادی، حق انتخاب، تساهل و تسامح، ترویج انفاق و ایثار، پرهیز از جنگ و خشونت در برخورد با مخالفان و صلح‌طلبی با آنان، اصل اخوت به‌جای دشمنی، همگرایی و وحدت، مبارزه با جنگ‌طلبان و منافقین، پرهیز از استبداد و ستم، حقوق و تکالیف متقابل حکومت و مردم، وحدت پیروان ادیان الهی، همزیستی مسالمت‌آمیز و ... از رئوس اصلی هستند که در تأمین امنیت مورد توجه اسلام (قرآن) قرار گرفته‌اند (امام جمعه‌زاده: درجانی، ۱۳۸۹: ۱۲۹-۱۲۸).

از دیگر سو دین مبین اسلام از دیرباز در یک تقسیم‌بندی کلاسیک به سه بخش عمده اعتقادات، اخلاقیات و احکام فقهی و عملی طبقه‌بندی شده است. این بخش‌های سه‌گانه متناسب با ابعاد وجودی انسان یعنی ویژگی‌های شناختی، عاطفی و رفتاری انسان می‌باشند و می‌توان کلیت محتوای اندیشه سیاسی اسلام و متفکران مسلمان، (اسلام حق یا اسلام محقق) را در تعاملات سه محور کانونی عقاید سیاسی، اخلاق سیاسی و احکام سیاسی تئوریزه کرد. متفکرین و دانشمندان برجسته اسلامی این تقسیم‌بندی را در استدلالات و بحث‌های علمی خویش در طول تاریخ پرورانده‌اند (برزگر، ۱۳۸۹: ۴۵). از سوی دیگر فهم عقلانی، گرایش‌های عاطفی و رفتارهای ظاهری به‌ترتیب به مغز و عقل، قلب و اعضا و جوارح انسان مرتبط می‌شود. علاوه بر آن این طبقه‌بندی کلاسیک سه‌گانه از اسلام با ویژگی‌های شناختی، ویژگی‌های عاطفی و ویژگی‌های رفتاری انسان که از محورهای اساسی و پارادایم علم روانشناختی است در تطابق و همسانی قرار دارد (برزگر، ۱۳۸۸: ۲۱).

به‌طور مثال آیت‌الله جوادی آملی عقاید را اصول دین، اخلاق را متوسطات و احکام را فروع دین می‌داند. ایشان دین حق و تجسم عینی آن را در دو مصداق می‌داند: ۱- مجموعه معارف و دستوراتی که وجود نوشتاری آن در کتاب و سنت آمده است؛ ۲- وجود شخصی پیامبران و امامان «ع» که معارف اسلامی، اخلاق و احکام الهی را ادراک کرده و به آن معتقد، متصف و عامل شده‌اند



(جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۸۴). علامه طباطبایی نیز در آثار خود به این الگوی سه‌گانه پرداخته و دین را شامل سه بخش عقاید، اخلاق و احکام عملی دانسته است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۹-۱۰). از دانشمندان معاصر شهید مرتضی مطهری وجوه سه‌گانه اسلام یعنی عقاید، اخلاق و احکام را به ترتیب با ابعاد سه‌گانه شناختی، عاطفی و کنشی سازگار و منطبق ساخته است (مطهری، ۱۳۸۲، ۶۶). امام خمینی «ره» با سندیت قرار دادن یکی از روایات در کتاب «چهل حدیث» علوم را در سه بخش کلی آیه محکمه (علوم عقلیه و عقاید حقه معارف اسلامی)، فرضیه عادلّه (علم اخلاق و تصفیه قلوب) و سنه قائمه (علم ظاهر و علوم آداب قالبیه) می‌داند و سپس متکفل در هر یک از این دانش‌ها را نیز بر می‌شمارد (خمینی، ۱۳۶۸: ۳۲۶).

ایشان در سایر گفتار و نوشتارهای خود نیز این الگوی سه‌گانه را مورد نظر قرار می‌دهند (برزگر، ۱۳۷۳: ۲۳). از طرف دیگر کتاب «اصول کافی» کلینی در حدود هزار سال قبل بر مبنای این ساختار سه‌گانه به تدوین روایات و احادیث پس از غیبت کبری پرداخته است. جلد اول به اصول دین، دوم به دستورات اخلاقی و جلدهای بعدی با عنوان فروع کافی به فروع دین و فقه اختصاص یافته است (کلینی، ۱۳۶۵: ۱۲۳). احمد نراقی نیز از این سه نوع به‌عنوان علوم واجب یاد کرده است (نراقی، ۱۳۸۰: ۱۰۸-۹۹). شواهد ذکر شده از جایگاه بسیار مستحکم الگوی سه‌گانه در متون اسلامی و روایات و نیز در توافق بین‌الذّهانی صاحب‌نظران خبر می‌دهد (برزگر، ۱۳۸۹: ۴۷-۴۶). یکی از ویژگی‌های نگاه نظام‌مند برخاسته از این مدل سه وجهی آن است که در آن به‌نحوی جمع اضداد صورت می‌گیرد. بنابراین راه‌های سه‌گانه فلاسفه (راه عقل)، عرفا (راه دل) و فقها (راه عمل به دستورات شریعت) می‌توانند در این مدل به وحدت برسند. این تقسیم‌بندی سه‌گانه متناسب با ابعاد وجود انسان است. به‌عبارت دیگر چون اسلام برای انسان آمده است، مخاطب تعلیمات قرآن کریم، پیامبران و امامان انسان و ابعاد وجودی او می‌باشد. از این رو می‌توان از



سه بخشی بودن اجزا دین اسلام، سه بعدی بودن انسان را نتیجه‌گیری کرد (برزگر، ۱۳۹۱: ۶۱۶-۶۱۳).

در خصوص ادبیات موضوع این مقاله از برجسته‌ترین موارد موجود می‌توان به کتاب امنیت انسانی و دولت (رهایی از ترس، رهایی از نیاز در دولت اجتماعی توسعه‌گرا) نوشته دکتر روح‌الله رهامی اشاره کرد که در آن به چیستی امنیت و ایضاح مفهومی ابعاد، محور و تأمین‌کننده‌ی آن، بررسی فلسفی ماهیت دولت و وظایف و کارکردهای آن و تأثیرپذیری این دو مؤلفه مهم از یکدیگر می‌پردازد (رهامی، ۱۳۹۳: ۱۲). با این توصیفات سوال اصلی این مقاله این است که بر مبنای الگوی سه‌گانه دین اسلام از منظر قرآن کریم به‌مثابه اسلام حق، مفهوم امنیت سیاسی و ابعاد گوناگون «کلامی - فکری»، «اخلاقی - روانی» و «کنشی - رفتاری» آن چگونه تبیین می‌گردد؟ در این پژوهش در بهره‌گیری از آثار مفسرین قرآن کریم از روش کیفی و به‌طور دقیق‌تر تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است تا به‌شکلی توصیفی - تحلیلی مفاهیم و موضوعات مورد نظر، مورد کنکاش و بررسی قرار گیرد.

۱. روش‌شناسی

مسائل اجتماعی دامنه‌ای گسترده دارند که حل آنها به شناخت ریشه‌های ظریف، عمیق و به‌ظاهر نامرئی‌شان وابسته است. شناخت این مسائل خودبه‌خود مستلزم دانستن و تسلط بر مبنای روش‌های شناخت آنهاست. تحقیقات از نوع کمی و کیفی که از دو مبانی متفاوت پارادایمی‌اند، این مسیرها را مشخص می‌کنند. روشی که به روش کمی یا روش علمی مسلط موسوم است و برگرفته از نظام فلسفی اثبات‌گرایی است، در مقابل مبانی فلسفی روش کیفی از نظام فلسفی تفسیری ریشه گرفته است. در روش‌های کمی، از طریق ایجاد فاصله میان محقق و موضوع مطالعه، می‌کوشند تا به شناختی عینی از واقعیت دست یابند؛ واقعیتی که بر تبیین، پیش‌بینی و آزمون به‌منزله‌ی معیارهای پارادایم



اثبات‌گرایی، مبتنی بر متغیرهای قابل اندازه‌گیری، استوار است (ایمان؛ نوشادی، ۱۳۹۰، ۱۶). در یک نگاه کلی روشی که به‌طور غالب در این مقاله مورد استفاده قرار خواهد گرفت را می‌توان روش کیفی نام نهاد. روش‌های کیفی برای مطالعه معنا، فرآیند و زمینه افکار و رفتارهای مردم به‌کار می‌آیند (Poole & Folger, 2000, 480-482 & Rosengren, 2000, 12). در این خصوص تحلیل محتوای کیفی را می‌توان نوعی روش‌شناسی تحقیق در خدمت تفسیر محتوایی داده‌ها دانست. اواسط قرن بیستم ایراداتی به تحلیل‌های سطحی بدون در نظر گرفتن محتوای پنهان تحلیل وارد شد. از این زمان بود که رویکردهای کیفی در تحلیل محتوا گسترش یافتند. تحلیل محتوای کیفی، یکی از روش‌های تحقیق است که برای تحلیل داده‌های متنی، کاربردی فراوان دارد. تحلیل محتوای کیفی، تمرکز بر مشخصات زبان به‌منزله‌ی وسیله‌ی ارتباطی برای به‌دست آوردن معنا و محتوای متن دارد (Budd & Thorp, 2003, 26).

تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرآیندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست. با تحلیل کیفی می‌توان یک رویکرد تجربی، روش‌شناسانه و کنترل‌شده‌ی مرحله به مرحله را با رعایت عناصر مورد مطالعه در نظر گرفت. تحلیل محتوای کیفی به محققان اجازه می‌دهد اصالت و حقیقت داده‌ها را به‌گونه ذهنی، ولی با روش علمی تفسیر کنند. بنابراین یکی از موضوعات درخور توجه در تحلیل محتوای کیفی، تصمیم‌گیری درباره این موضوع است که آیا تحلیل بر محتوای پنهان تأکید می‌کند یا آشکار؛ زیرا محتوای آشکار و محتوای پنهان در تحلیل محتوای کیفی به تفسیر مربوط‌اند، ولی تفسیرها در عمق و سطح انتزاع متفاوت‌اند. همین عامل موجب شده است که محققان، تحلیل محتوای کیفی را به‌منزله روشی انعطاف‌پذیر، به‌ویژه برای داده‌های متنی در نظر بگیرند (ایمان؛ نوشادی، ۱۳۹۰: ۲۲-۲۱).



۲. تعریف مفاهیم

۱- امنیت

ریشه لغوی واژه امنیت، از ثلاثی مجرد «امن» و با مشتقاتی مانند «استیمان» و «ایمان» است که به اطمینان و آرامش در برابر خوف، تفسیر، تعریف و ترجمه شده است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۹). هم‌چنین در زبان فارسی به ایمنی شدن، در امان بودن و بی‌بیمی تعریف شده است. به‌طور کلی برخلاف معنای لغوی، در سطح اصطلاحی برای امنیت معنای اجماعی وجود ندارد و تعاریف اصطلاحی متفاوتی از این مفهوم ارائه شده است (افتخاری، ۱۳۹۱: ۸۰). در واقع عدم تعریف دقیق و عام از امنیت به دلیل این است که امنیت امری نسبی است و در اثر مسائل نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مذهبی در هر منطقه و در هر زمان ممکن است تعریف متفاوتی داشته باشد (ترکمنی آذر، ۱۳۸۹: ۲). در این‌جا به تعدادی از تعاریفی که از امنیت صورت گرفته است اشاره می‌شود:

۱. مفهوم امنیت مصونیت از تعرض و تصرف اجباری و بدون رضایت است و درباره افراد به معنای آن است که در مورد حقوق و آزادی‌های مشروع خود بیم و هراسی نداشته باشند و به هیچ‌وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید نکند (عمیدزنجانی، ۱۳۷۴: ۳۵۷).

۲. واژه امنیت در کاربرد عام به معنای رهایی از مخاطرات مختلفی است. شرایطی که در آن فرد در معرض خطر نبوده یا از خطر محافظت شود؛ ایمنی، رهایی از غم و غصه و تشویش و اضطراب، نبود خطر و یا احساس ایمنی و در دوری از آن. در این چارچوب، امنیت در بردارنده احساس اطمینان از دو بعد ذهنی (امنیت فکری، رهایی از ترس، آزادی بیان، امنیت شغلی، امید به زندگی و ...) و عینی (غذا، بهداشت، محیط زیست، کاهش فساد، مقابله با قاچاق انسان و کالا و ...) است (نظری؛ سازمند، ۱۳۸۹: ۱۸).

۳. امنیت به معنای آرامش، آسودگی و ایمنی است. در فرهنگ سیاسی مهم‌ترین



عصری که برای امنیت منظور می‌کنند، فقدان تهدید است. البته چون فقدان تهدید به‌طور مطلق و تمام دست نیافتنی است، «به حداقل رساندن تهدید» را در مفهوم امنیت کافی دانسته‌اند (امام جمعه‌زاده؛ درجانی، ۱۳۸۹: ۱۲۷). واژه‌ی امنیت، ابتدا در ادبیات سیاسی آمریکا شدیداً متداول شد؛ بعد از تغییرات مهمی که پس از جنگ جهانی دوم در سیاست بین‌الملل پدید آمد، باعث شد تا این مفهوم نیز هر چه بیشتر کارآیی پیدا کند» (Leffler, 1984, 246).

«والتر لیمن» محقق و نویسنده آمریکایی، نخستین کسی است که مفهوم امنیت ملی را به روشنی تعریف کرد: «یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ، بتواند آن را به پیش ببرد.» (محمدی، ۱۳۸۱: ۷). به نظر می‌رسد بهترین روش برای تعریف مفهوم امنیت اشاره به دلالت‌های عینی و ذهنی این مفهوم و تجزیه آن به عناصر تشکیل‌دهنده خود است. در این راستا می‌توان سه‌گونه دلالت مفهومی را برای امنیت مطرح کرد؛ نخست، دلالت عینی است که حکایت از نبود خطر بر ضد ارزش‌های حیاتی جامعه و کشور مورد نظر دارد. در این‌جا بودن یا نبودن خطر به شکل واقعی مطرح است. دومین دلالت مفهومی دلالت ذهنی است که در حقیقت حاکی از بودن یا نبودن ترس و وحشت از حمله به ارزش‌های اساسی است. در حقیقت این وضع ممکن است در واقعیت خطری بر ضد ارزش‌ها وجود نداشته باشد، اما در ذهن افراد چنین خطری تصور گردد یا برعکس، خطر وجود داشته باشد اما تصور بر نبود خطر باشد. سومین دلالت اشاره به مفاهیمی دارد که به‌طور غیر مستقیم در برگیرنده شرایطی است که زمینه‌ساز فضایی می‌شود که می‌توان لفظ امن بر آن اطلاق نمود (قاسمی، ۱۳: ۱۳۸۶).

۲- امنیت سیاسی

در یک نگاه کلی هرگاه سخن از امنیت به‌میان می‌آید، آن‌چه در ذهن خطوط



می‌کند امنیت جان و مال است؛ در حالی که برای یک جامعه پویا و سالم امنیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فردی و... مطرح می‌باشد و لازم است که حکومت امنیت جامعه را در همه ابعاد تأمین نماید (زارع قراملکی، ۱۳۸۹: ۱۵۷). بر همین اساس امنیت را می‌توان به ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی تقسیم کرد که در این جا بعد سیاسی آن مدنظر است. امنیت سیاسی به معنای تأمین آرامش و طمأنینه لازم توسط حاکمیت یک کشور برای شهروندان قلمرو خویش از راه مقابله با تهدیدات مختلف خارجی و هم‌چنین تضمین حقوق سیاسی آنها در مشارکت جهت تعیین سرنوشت سیاسی و اجتماعی آنها می‌باشد. نظام سیاسی در راستای امکان‌بخشی و تسهیل مشارکت و دخالت مردم در تعیین سرنوشت خود و جامعه، می‌بایستی امنیت و حضور آزادانه و برابر آنها را فراهم آورد و هیچ‌کس را به داشتن باور سیاسی خاصی وادار نکند.

در واقع امنیت سیاسی به معنای وجود دستگاه سیاسی است که در آن مردم آزادانه و بدون ترس و وحشت بتوانند مواضع سیاسی و باورهای خود را هر چند مخالف حکومت باشد، در چارچوب قوانین موجود بیان کنند و کسی حق تعرض به دیگران را به دلیل ابراز عقیده سیاسی نداشته باشد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۸). به تعبیری امنیت سیاسی برای همگان تنها در سایه برابری در مقابل قانون است، چه از نظر وضع قانونی و چه از لحاظ اجرای قانون (میراحمدی شیری، ۱۳۸۸: ۸۳-۸۲). بدیهی است چنین امنیتی هرگز در حکومت‌های خودکامه (استبدادی) ایجاد نخواهد شد. در حقیقت بین امنیت و میزان استبدادی بودن رژیم‌های سیاسی رابطه معکوسی وجود دارد؛ هر قدر حکومت‌ها خودکامه‌تر باشند آزادی کمتر، خشونت بیشتر و در نتیجه امنیت سیاسی کمتر خواهد بود (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۹). ثبات سیاسی، محصول امنیت سیاسی و در اصل ناظر به وجود توازنی بین «خواست‌های مردمی» از یک سو و «کارویژه‌های حکومتی» از سوی دیگر می‌باشد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۹).



۳. ابعاد سه گانه امنیت سیاسی از منظر قرآن کریم

۳-۱. بعد کلامی - فکری

همان‌طور که گفته شد، مفهوم امنیت در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته و از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. البته صورت فارسی و عربی این کلمه به شکل‌های «امنیت» و «امنیه» در قرآن موجود نیست و بیشتر توجه به این موضوع با عبارات و مشتقاتی از ثلاثی مجرد «امن» صورت پذیرفته است. در مجموع از ریشه یا کلمه امن، ۶۲ کلمه مشتق، ۸۷۹ با در قرآن به کار رفته، که از این تعداد کاربرد، ۳۵۸ مورد در آیات مکی و ۵۲۱ مورد در آیات مدنی این واژه مورد استفاده قرار گرفته است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۵۱). منظور از ابعاد کلامی و فکری اشاره به مفاهیمی است که به‌طور غیر مستقیم و با ایجاد مبانی ذهنی و فکری مقدماتی زمینه‌های ایجاد شرایط خاصی را فراهم می‌آورد. در این خصوص یکی از مفاهیم و اصول اساسی که از منظر قرآن (اسلام) نقش مهمی در ایجاد امنیت در جوامع دارند توحید و رابطه آن با مفهوم امنیت است. به‌طور کلی هسته مرکزی جهان‌بینی اسلامی را «توحید» شکل می‌دهد. توحید در واقع به‌مثابه نقطه آغازین تمامی ادیان الهی تعبیر می‌شود. این اصل به‌دلیل ترسیم خطوط قرمز یا نایبدهایی که هیچ‌یک از عوامل امکان تخطی از آنها را ندارد، منجر به ایجاد نوعی همبستگی در عناصر مختلف امنیتی می‌شود. از این منظر التزام به «نابندهای شریعت» موجب وفاق و همدلی می‌گردد. به‌طور کلی می‌توان چنین بیان داشت که ساخت گفتمانی امنیت در اسلام به‌دلیل محوریت و نقش مرکزی توحید، متضمن همگرایی و به‌هم پیوستگی است که در مطالعات امنیتی دلیلی برای استحکام، ثبات و امنیت جامعه و نظام سیاسی ارزیابی می‌گردد (افتخاری، ۱۳۹۱: ۱۱۹ و ۱۴۴-۱۴۳). ارزش امنیتی اصل توحید از منظر اسلام را بر مبنای شاخص‌های ذیل می‌توان تبیین نمود:

توحید و انسجام: توحید مایه رهایی انسان از آشفستگی به‌شمار می‌آید. مفسرین



و اندیشمندان اسلامی به‌طور کلی دل در گرو خدا نهادن را مایه انسجام خاطر و آرامش دل می‌دانند و اقبال به دنیا را موجب پراکندگی که امنیت فرد را به مخاطره می‌افکند. از دیدگاه اسلام همه پدیده‌ها در نهایت یک روند واحد توحیدی را تجربه می‌کنند که به هستی از ناحیه التزام به خدا وحدت می‌بخشد. این وحدت‌بخشی ذهن فرد مسلمان را از آشوب و پراکندگی‌های رهایی‌بخشیده و در نتیجه ساحت فکری، ایمان قلبی و الگوی رفتاری او را تحت تأثیر قرار می‌دهد (افتخاری، ۱۳۹۱: ۱۲۳-۱۱۹).

توحید و اطمینان: بر اساس آموزه‌های اسلامی، نام و یاد خداوند به فرد مؤمن اطمینان خاطر می‌دهد که عالی‌ترین سطح امنیت ارزیابی می‌گردد. این نقش افعال اسماء الهی در قرآن به کرات مورد توجه قرار گرفتند و به‌صورت مختلف اطمینان‌بخشی از این طریق یادآوری شده است: *ولله الاسماء الحسنی فادعوه بها و ذوالذین یلحدون فی اسمئه سیجزون ما کانوا یعملون* (اعراف، آیه ۱۸۰)؛ «خدا را نام‌های نیکوست، بدان‌ها خدا را بخوانید و آنان که در نام‌های او کفر و عناد می‌ورزند، به خود واگذارید که به‌زودی به کردار بدشان مجازات خواهند شد». از این منظر، اینکه هر آن‌چه اسم نیکو است به خدا اختصاص دارد، باعث می‌شود تا فرد یا جامعه ایمانی، خود را در مقابل مقامی ببیند که مجمع کمالات است. همین تلقی و باور از کمال الهی است که قلب درخواست‌کننده را مطمئن ساخته و به او آرامش می‌دهد. از دیگر مفاهیم قابل توجه در بحث از امنیت سیاسی در قرآن کریم مفاهیم «حیات حسنه» و «حیات طیبه» می‌باشند. مفسرین در تبیین این مفاهیم و سبک زندگی معطوف به آنها یکی از ویژگی‌های این نوع زندگی را بهره‌مندی از نعمت امنیت ذکر می‌کنند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۰۷).

از دیدگاه اسلام، در نظام‌های استبدادی، حاکمان از طریق استضعاف و اعمال محدودیت‌های فکری و معرفتی، ملت‌ها را تضعیف کرده و تحت کنترل قرار می‌دهند تا بدین‌وسیله به‌شکلی ظاهری امنیت‌سازی گردد. در واقع این همان



ویژگی است که خداوند در قرآن برای نظام فرعون بر آن تأکید نموده است؛ نظامی که در آن قدرت حاکمه نسبت به استضعاف ملتش اقدام می‌نماید: این فرعون علا فی الأرض و جعل أهلها شیعا يستضعف طائفه منهم یدبح أبناء هم و یستحی نساءهم انه کان من المفسدین (قصص، آیه ۴)؛ همانا فرعون در زمین مصر تکبر و گردن‌کشی آغاز کرد و میان اهل آن سرزمین تفرقه و اختلاف افکند و طایفه (بنی اسرائیل) را سخت ضعیف و ذلیل کرد، پسرانشان را می‌کشت و زنانشان را زنده می‌گذاشت و همانا فرعون مردی بسیار مفسد و بداندیش بود (افتخاری، ۱۳۹۱: ۱۴۴). در مقابل، اسلام و آموزه‌های قرآن کریم بیانگر ساختار امنیتی است که در آن، دانش و آگاهی از مؤلفه‌های اصلی ایجاد امنیت محسوب می‌شوند. از این دیدگاه هرچه میزان آگاهی و معرفت مردم و کارگزاران افزایش یابد، ضریب امنیتی جامعه نیز ارتقا می‌یابد.

۳-۲. بعد اخلاقی - روانی

ریشه و اساس ابعاد امنیت از دیدگاه قرآن، در ایمان و باورهای عمیق دینی و امنیت معنوی نهفته است. بنابه آیات قرآن، می‌توان فهمید که عدم خوف، اندوه و تأمین امنیت از دستاوردهای ایمان است که خداوند در آیه زیر به آن بشارت داده است: الا ان أولیاء الله لاخوف علیهم و لا هم یحزنون (یونس، آیه ۶۲)؛ آگاه باشید که دوستان خدا هرگز هیچ ترسی (از حوادث آینده عالم) و هیچ حسرت و اندوهی (از وقایع گذشته جهان) در دل آنها نیست (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۹۰-۱۷۰). به اعتقاد قرآن، امنیت دنیایی امری نسبی بوده و امنیت واقعی در جهان آخرت است. از این منظر اگر چه ممکن است مؤمن در دنیا به ابتلائات و ناامنی‌های ظاهری دچار شود، اما قلبا و به پشتوانه مدد الهی، دارای امنیت و آرامش معنوی است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۷۰-۱۶۷).

از منظر قرآنی، در صورتی امنیت معنوی، علاوه بر سطح فردی، در سطح اجتماعی و عمومی حکمفرما خواهد شد که اعضای جامعه با خداترسی و



تقوای پیشگی بر محور «بر» و تقوا اجتماع متعاون خود را تشکیل دهند: یا ایها الذین ءامنوا لاتحلوا شعئر الله و لالشهر الحرام و لالهدی و لالقلید و لاءآمین البیت الحرام یتتغون فضلا من ربهم و رضونا وإذا حللتهم فاصطادوا و لایجرمنکم شنتان قوم أن صدوکم عن المسجد الحرام أن تعتدوا و تعاونوا علی البر و التقوی و لاتعاونوا علی الإثم و العدوان و اتقوا الله إن الله شدید العقاب (مائده، آیه ۲)؛ «ای اهل ایمان حرمت شعائر خدا (یعنی مناسک حج) و ماه حرام را نگاه دارید و نیز متعرض هدی و قلائد نشوید و نیز تعرض زائران خانه محترم کعبه را که در طلب فضل خدا و خشنودی او آمده‌اند حلال نشمارید و چون از احرام بیرون شدید صید کنید و عداوت گروهی که از مسجد الحرام منع کردندتان شما را بر ظلم و بی‌عدالتی و ادار نکند و باید شما به یکدیگر در نیکوکاری و تقوا کمک کنید نه بر گناه و ستمکاری و از خدا بترسید که عقاب خدا بسیار سخت است». لیس البر أن تولوا وجوهکم قبل المشرق و المغرب و لکن البر من ءامن بالله و الیوم الآخر و الملئکه و الکتب و النبین و ءاتی المال علی حبه ذوی القربی و الیتمی و المسکین و ابی السبیل و السائلین و فی الرقاب و أقام الصلوه و ءاتی الزکاه و الموفون بعهدهم إذا عهدوا و الصبرین فی البأساء و الضراء و حین البأس أولئک الذین صدقوا و اولئک هم الممتقون (بقره، آیه ۱۷۷)؛ نیکوکاری بدان نیست که روی به جانب مشرق یا مغرب کنید (چه این چیز بی‌اثری است) لیکن نیکوکار کسی است که به خدای عالم و روز قیامت و فرشتگان آسمان و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان آورد و دارایی خود را در راه دوستی خدا به خویشان، یتیمان، فقیران، رهگذران و گدایان بدهد و هم در آزاد کردن بندگان صرف کند و نماز به پا دارد و زکات مال به مستحق برساند و با هر که عهد بسته به موقع خود وفا کند و در کارزار و سختی‌ها صبور و شکیب‌ا باشد و به وقت رنج و تعب، صبر پیشه کند، کسانی که بدین اوصاف آراسته‌اند، آنها به حقیقت راستگویان عالم و آنها پرهیزکارانند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۷۲).



۳-۳. بعد کنشی - رفتاری

همان‌گونه که عنوان شد، از دیدگاه اسلام برقراری امنیت یکی از وظایف اصلی حکومت به حساب می‌آید. در واقع این امر از ضروری‌ترین و فوری‌ترین وظایف حکومت اسلامی در حوزه درونی و بیرونی جامعه اسلامی به حساب می‌آید (یوسفی، ۱۳۸۹: ۶۳). اهمیت امنیت در اسلام به اندازه‌ای است که در این آیین علاوه بر امن دانسته شدن برخی از اماکن، برخی از ماه‌ها و زمان‌ها نیز زمان‌های امن به حساب آمده است. بر این اساس ماه‌های چهارگانه حرام (رجب، ذیقعد، ذیحجه و محرم) که اسلام بر حرمت آن تأکید جدی دارد، نشانه اهمیت امنیت در نگاه اسلام است. در قرآن کریم آمده است: ان عده الشهور عندالله اثني عشر شهرا من كتاب الله يوم خلق السموات و الارض، منها اربعة حرم ذلك الدين القيم فلا تظلموا فيهن انفسكم... انما النسئ زياده في الكفر يضل به الذين كفروا يحلونہ عاما و يحرمنه عاما ليواطؤوا عده ما حرم الله... (توبه، آیات ۳۶ و ۳۷)؛ همانا عدد ماه‌ها در نزد خدا در کتاب خدا از آن روزی که خداوند آسمان و زمین را بیافرید، دوازده ماه است. از آن دوازده ماه، چهار ماه، ماه‌های حرام است. این است دستور دین استوار و محکم. پس در آن ماه‌ها در حق خود ظلم (جنگ و خونریزی) نکنید... تغییر و تبدیل و جابجایی ماه حرام با ماه دیگر، افزایش کفر است که با آن کافران گمراه می‌شوند، سالی ماه حرام را حلال می‌شمارند و سالی دیگر، حرام، تا بدین وسیله، عده ماه‌هایی که خدا آن را حرام کرده را پایمال کنند و حرام خدا را حلال گردانند... و هم‌چنین در آیه زیر آمده است: يا ايهاالذين امنوا لا تحلوا شعائرالله و لا الشعر الحرام (مائده، آیه ۲)؛ حرمت شعائر و ماه حرام را نگه دارید (امام جمعه‌زاده؛ درجانی، ۱۳۸۹: ۱۲۷).

پرهیز از ظلم و استبداد

به‌طور کلی پرهیز از ظلم و استبداد از سوی حاکمان و کارگزاران و رهبران



دینی در جهت تأمین امنیت سیاسی و دینی جامعه اسلامی، از دیدگاه قرآن امری الزامی در نظر گرفته شده است. به طوری که شاید بتوان گفت کلید اصلی تأمین امنیت از منظر قرآن (اسلام)، نفی ظلم (استبداد) و مبارزه همه جانبه با آن است. از این منظر، آلوده شدن به ظلم امنیت را از بین می برد. خداوند در واقع فریاد توأم با اهانت را فقط در مورد کسانی اجازه داده است که به آنها ظلمی شده است. آیات زیر به این مسئله اشاره دارند: الذین ءامنوا ولم یلبسوا ایمنهم بظلم أولئک لهم الأمن و هم مهتدون (انعام، آیه ۸۲)؛ «آنان که ایمان به خدا آورده و ایمان خود را به ظلم و ستم نیالودند، در دو عالم ایمنی آنها راست و هم آنها به حقیقت (به سر منزل سعادت) هدایت یافته اند». ألم تر إلی الذین یزعمون أنهم ءامنوا بما أنزل إلیک و ما أنزل من قبلک یریدون أن یتحاکموا ألی الطغوت و قد أمروا أن یکفروا به و یرید الشیطن أن یضلهم ضلالا بعیدا (نساء، آیه ۶۰)؛ «آیا ننگری و عجب نداری از حال آنان که به گمان و دعوی خود ایمان به قرآن تو و کتبی که پیش از تو فرستاده شده آورده اند چگونه باز می خواهند طاغوت را حاکم گردانند در صورتی که مأمور بودند که به طاغوت کافر شوند و شیطان خواهد که آنان را گمراه کند آن گونه گمراهی که از هر سعادت و آسایش دور باشند».

الذین ءامنوا یقتلون فی سبیل الله و الذین کفروا أیدیکم و أقیموا الصلوه و ءاتوا الزکوه فلما کتب علیهم القتال إذا فریق منهم یرشون الناس کخشیه الله أوأشد خشیه و قالوا ربنا لم کتبت علینا القتال لولا أخرتنا ءالی اجل قریب متع الدنیا قلیل و الاخره خیر لمن اتقی و لاتظلمون فتیلا (نساء، آیه ۷۷)؛ «آیا نمی ننگری و عجب نداری از حال آن مردمی که گفتند به ما اجازه جنگ ده و بدانها گفته می شد اکنون از جنگ خودداری کرده و به وظیفه نماز و زکات قیام کنی، دیدی آنگاه که بر آنها حکم جهاد آمد در آن هنگام بیش از آن اندازه که باید از خدا ترسند از مردم (دشمنان دین) ترسیدند و گفتند ای خدا چرا بر ما حکم جنگ را فرض کردی که عمر ما را تا به هنگام اجل و مرگ طبیعی به تأخیر



نیفکنی، (ای رسول ما، به آنان که این اعتراض کنند) بگو که زندگانی دنیا متاعی اندک است و جهان آخرت ابدی برای هر که خدا ترس می‌باشد بسیار بهتر از دنیاست و آنجا کمترین ستم درباره کسی نخواهد شد». لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم و كان الله سمیعا علیما (نساء، آیه ۱۴۸)؛ «خدا دوست نمی‌دارد که کسی به گفتار زشت به عیب خلق، صدا بلند کند، مگر آن که ظلمی بدو رسیده باشد که خدا شنوا (به اقوال) و دانا (به احوال) بندگان است».

برقراری عدالت و مقابله با اخلال گران

از دیدگاه اسلام حکومت فارغ از کلیه ملاحظات نژادی، زبانی، اعتقادی و ... در قبال تأمین امنیت کلیه افراد تحت حاکمیتش مسئولیت دارد. از این منظر افرادی که در ذیل حاکمیت اسلامی زندگی می‌کنند افزون بر حرمت ناشی از «شان انسانی‌شان»، از آن حیث که شهروند حکومت به‌شمار می‌آیند در خور رعایت و حمایت قدرت سیاسی می‌باشند. به‌عبارت دیگر امنیت کالای عمومی به‌شمار می‌آید که تمامی افراد اعم از مسلمان و غیر مسلمان می‌بایست به‌طور یکسان از آن برخوردار باشند. چنان‌که در قرآن آمده است: و هو الذی أنشاکم من نفس واحده فمستقر و مستوع قد فصلنا الأیت لقوم یفقهون (انعام، آیه ۹۸)؛ «هم اوست خدایی که همه شما را از یک تن در آرامگاه (رحم) و ودیعتگاه (قلب) بیافرید، ما نیکو آیات خود را برای اهل بصیرت مفصل بیان نمودیم». از منظر این آیه، همه انسان‌ها مخلوق و تحت رعایت و نظارت خالق واحد هستند و از این حیث برابرند (افتخاری، ۱۳۹۱: ۱۳۴). عدالت از دیدگاه اسلام و قرآن به‌معنای قرار دادن هر چیز در جای خویش، حق را به‌حقدار رساندن و ایفای اهلیت و رعایت استحقاق‌ها است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۱۰). قرآن بنیان و نظام عالم را بر اساس عدل و عدالت معرفی می‌کند و معیار و اساس نظام تشریح و قانون‌گذاری را بر مبنای اصل عدل و قسط بیان کرده است.



عدالت و قسط، ملاک اساسی و اولیه دین و شریعت و تمام قواعد حقوق مذهبی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و امور انسانی است و از این رو اصل اولیه‌ای است که تمام اعتبارات زندگانی و حیات بشری بر آن بنا می‌شود و هدف حکومت اسلامی ایجاد عدل و قسط در تمام ابعاد آن می‌باشد. بر این اساس در نظام اسلامی عدالت مبنای همه تصمیم‌ها و جهت‌گیری‌ها است و همه مسئولین مکلف به تحقق آن می‌باشند (زارع قراملکی، ۱۳۸۹: ۸۲). بر این مبنا از دیدگاه اسلامی، قرار گرفتن هر چیز در جای خویش و استیفای مداوم حقوق باعث تعادل، ثبات، استقامت، پایداری و امنیت نظام سیاسی است. از این منظر فقدان سخت‌گیری و خشونت‌ورزی حکومت با مردم و اعمال تساهل و تسامح لازم با آنان، که در بستر عدالت‌ورزی صورت پذیرد، مایه جذب قلوب مردم و همگرایی آنها با نظام سیاسی گشته و انس، الفت، اتحاد، ثبات و امنیت را به ارمغان خواهد آورد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۱۱-۲۱۰؛ میراحمدی؛ شیری، ۱۳۸۸: ۳۰).

به باور اسلام، نظم جامعه در صورتی عادلانه است که بر قوانین عادلانه استوار باشد. نظم عادلانه نیز امنیت همه‌جانبه را به ارمغان خواهد آورد. بنابراین با توجه به اینکه قوانین الهی عادلانه هستند، نظم مبتنی بر این قوانین امنیت را به دنبال خواهد داشت (امام جمعه‌زاده؛ درجانی ۱۳۸۹: ۱۳۸). آیات زیر به موضوع عدالت اشاره دارند: و اتبع ما یوحی الیک و اصبر حتی یحکم الله و هو خیر الحکمین (یونس، آیه ۱۰۹)؛ «و ای رسول تو خود از وحی خدا که بر تو می‌رسد، پیروی کن و راه صبر پیش گیر تا وقتی خدا (میان تو و مخالفان تو) حکم کند که او بهترین حکم‌فرمایان عالم است». فلذک فادع و استقم کما امرت و لا تتبع اهوا هم و قل ءامنت بما انزل الله من کتب و امرت لاعدل بینکم الله ربنا و ربکم لنا اعملنا و لکم اعملکم لا حجه بیننا و بینکم الله یجمع بیننا و الیه المصیر (شوری، آیه ۱۵)؛ «بدین سبب ای رسول، تو همه را به دین اسلام و کلمه توحید دعوت کن و چنان‌که مأموری پایداری کن و پیرو هوای نفس مردم مباش و به امت



بگو که من به کتابی که خدا فرستاد ایمان آورده‌ام و مامورم که میان شما به عدالت حکم کنم، خدای یگانه پروردگار همه ما و شماست و پاداش عمل ما بر ما و عمل شما بر شماست (و پس از تبلیغ رسالت) دیگر هیچ حجت و گفتگویی بین ما و شما باقی نیست. خدا (روز جزا برای حکم حق) میان ما جمع می‌کند و به‌سوی او همه باز می‌گردیم».

جهاد با مشرکان و دشمنان خارجی

علاوه بر مبارزه با محاربان در راستای تأمین امنیت عمومی توسط حکومت اسلامی، اصل جهاد و قتال با دشمنان خدا و جامعه اسلامی نیز از منظر اسلام و قرآن کریم، از ضروریات تأمین امنیت سیاسی است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۱۵). به‌طور کلی جهاد یکی از شیوه‌های گسترش حاکمیت دینی محسوب می‌شود. این اصل به‌معنای تلاش برای حاکمیت دین است. در روایت‌های اسلامی و کلمات علمای اسلام، جهاد در موارد «جهاد نفس» برای تسلط انسان بر قوای حیوانی و جهاد برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی به‌کار می‌رود. در این مسیر، تلاش برای اعتلاء کلمه الله و گسترش اسلام با عناوین جهاد مالی، جانی و فرهنگی بیان شده است، اما در اکثر موارد وقتی جهاد به‌صورت مطلق بیان می‌شود، مراد مبارزه بیرونی برای گسترش اسلام و دفاع از عقاید دینی و سرزمین اسلامی است؛ چه این امر با مال باشد یا جان. البته در بیشتر موارد به‌معنی مبارزه مسلحانه برای رفع موانع اسلام و گسترش حاکمیت دینی نیز استعمال می‌شود (یوسفی، ۱۳۸۹: ۶۱). جهاد از واژه‌های آشنای قرآنی است که شرط اساسی ایمان و تعزم در بهشت جاودان، میزان و معیار درجه‌بندی امتیازات در جامعه اسلامی معرفی شده است. جهاد اگر چه راه خدا انجام می‌گیرد، اما نفع آن در حیات سیاسی به‌خود مؤمن و جامعه اسلامی و تضمین سلامت و امنیت آن بر می‌گردد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۱۶). به‌طور کلی شناخت ماهیت دشمنان خدا که دشمنان خلق خدا نیز هستند و ستیز مداوم با



آنها و هوشیاری در برابر توطئه‌های آنان و به دوستی نگرفتن و عدم وابستگی و کمک نگرفتن از آنها از جمله مسائل موکدی است که قرآن کریم طی ده‌ها آیه به‌گونه‌های مختلف آن‌را مطرح کرده و آگاهی لازم در این زمینه‌ها را شرط ایمان واقعی شمرده و از آن به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده در حیات سیاسی جامعه اسلامی یاد کرده است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۱۵).

آیات جهاد در قرآن کریم، به‌طور کلی در دو دسته جای می‌گیرند: ۱. آیات مقید که جهاد در برابر وجود فتنه و ظلم و آغاز جنگ و ایجاد ناامنی از سوی غیر مسلمانان مبتنی می‌سازد؛ این دسته از آیات عمدتاً بیانگر ماهیت جهاد و جنگ دفاعی است که حق مشروع تمام جوامع و انسان‌ها است؛ ۲. آیات مطلق که به‌طور مطلق به قتل کفار و مشرکان دستور می‌دهد (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۱۷)؛ و قتلوه‌م حتی لاتکون فتنه و یکون الذین کله‌لله فان انتهوا فان الله بما یعلمون بصیر (انفال، آیه ۳۹)؛ «ای مومنان با کافران جهاد کنید که در زمین فتنه و فساد دیگری نماند و آیین همه دین خدا گردد؛ و چنان‌چه دست از کفر کشیدند، خدا به اعمالشان بصیر و آگاه است». فاذا انسلخ الاشهر الحرام فاقتلوا المشرکین حیث وجدتموه‌م و خذوه‌م واحصروه‌م و اقعدهوا لهم کل مرصد فان تابوا و اقامو الصلوه و اتوا الزکوه فخلوا سبیلهم ان الله غفور رحیم (توبه، آیه ۵)؛ «پس چون ماه‌های حرام در گذشت، آن‌گاه مشرکان را هر جا بیابید به قتل برسانید و آن‌ها را دستگیر و محاصره کنید و هر سو در کمین آنها باشید چنان‌چه از شرک توبه کرده موحد می‌شدند و نماز و اسلام به پا داشتند و زکات دادند پس از آنها دست بردارید که خدا آمرزنده و مهربان است». وقتلوا المشرکین کافه کما یقاتلونکم کافه و اعلموا ان الله مع المتقین (توبه، آیه ۳۶)؛ «با مشرکان دسته‌جمعی بپیکار کنید، هم‌چنان که آنها دسته‌جمعی بپیکار می‌کنند و بدانید که خداوند با پرهیزکاران است».

۴. جایگاه دولت و کارکرد امنیت‌ساز آن در اسلام



«امنیت» به معنای اولیه آن یعنی صیانت نفس یکی از مسائلی است که «دولت» به خاطر آن به وجود آمده است. به این معنا که ضرورت اساسی ایجاد و تأسیس دولت، استقرار و حفظ امنیت در اجتماع بوده است. البته بحث امنیت در هر زمانی، معنای خاص داشته است؛ گاه تنها معنای «حفظ جان و صیانت نفس» (در اندیشه‌ی هابز) داشته و زمانی دیگر، «حفظ اموال و دارایی» (در اندیشه‌ی لاک) به معنای آن اضافه شده است. امروزه معنای امنیت علاوه بر مسائل جانی و مالی به حوزه‌های متفاوت آزادی، مشارکت سیاسی، تأمین اشتغال و رفاه و حتی بهره‌گیری از اوقات فراغت و برآوردن استعدادها هم کشیده شده است. البته میزان و محدوده این موضوعات و حوزه‌ها متناسب با بینش و اندیشه نظام‌های سیاسی و نوع آنها می‌باشد؛ دینی یا سکولار و لائیک بودن، لیبرالیستی یا مارکسیستی بودن، توتالیتر و انحصارگرا یا دموکرات بودن، به جامعه مدنی و حوزه خصوصی افراد اهمیت دادن و عواملی دیگر بر مؤلفه‌ها چارچوب امنیت تأثیر می‌گذارد. در رویکرد تحلیلی با توجه به اینکه بحث امنیت و سرایت و گستراندن آن به حوزه سیاسی یعنی بحث مشارکت سیاسی در قالب احزاب، مطبوعات، گروه‌ها و سندیکاها و آزادی‌ها در دوران جدید اتفاق افتاده است؛ قائل به تعریف این مفهوم در حیطه حوزه غیر دولتی می‌باشد. مطابق این رویکرد طرح مسایلی چون اهمیت این مسایل ریشه در افزایش فردیت افراد و حقوق آنها با توجه به مسائلی چون موضوعیت یافتن تک‌تک افراد، آزادی، رفاه، فعلیت یافتن استعدادها و... موید این مدعاست (حسنی فر، ۱۳۸۳: ۱۲۲).

دولت و حکومت در جامعه اسلامی، تنها بیانگر مجموعه‌ی نهادها هم چون سایر جوامع نیست، بلکه از نگرش‌ها و شیوه‌های خاصی از رفتار و عمل حاکی است که «مدنیت اسلامی» خوانده می‌شود و در کلیت خود «تمدن اسلامی» نامیده می‌شود. به این ترتیب حکومت اسلامی مختصات شکلی و محتوایی خاص خودش را دارا می‌باشد. علامه طباطبائی در بحثی تحت عنوان «ولایت و زعامت در اسلام» مسئله ضرورت تشکیل دولت اسلامی را از نقطه نظر فلسفه اجتماعی



اسلام مورد بحث قرار داده و به استناد آیه: فاقم وجهک للدين حنیفا فطره الله التي فطر الناس علیها لا تبدیل لخلق الله ذلك الدين القيم و لكن اکثر الناس لا یعلمون (سوره روم، آیه ۳۰) آئین اسلام را آئین فطرت و احکام آن را مطابق با فطرت بشری می‌شمارد. (ترجمه آیه: دین اسلام را با مراعات اعتدال استقبال نما، همان دینی که منطبق است با آفرینش خدائی که مردم را آفریده و روی آن استوار ساخته، خلقت خدائی تبدیل پیدا نمی‌کند که همان دین منطبق به فطرت و آفرینش است که می‌تواند مردم را اداره کند ولی اکثر مردم نمی‌دانند). ایشان در توضیح بیشتر مطلب می‌افزاید: انسان در عین وابستگی به نظام جهان آفرینش با به‌کار انداختن قوای ادراکی، حوائج خود را برآورده می‌کند و همواره خیر و شر خود را از راه الهام تکوینی و هدایت وجودی که به‌صورت علوم و افکار جلوه می‌کند می‌یابد و از این رهگذر است که خود را با سازمان کلی هستی منطبق می‌سازد و الگوی زندگی خود را از آفرینش می‌گیرد، مانند سازمان هستی اجتماعی زندگی می‌کند و نیازهای خویش را از این طریق در جهت کمال برطرف می‌سازد و تشکیلاتی چون سازمان هستی جهان برای زندگی اجتماعی خویش می‌پذیرد.

فطری بودن نیاز به تشکیلات حکومتی به‌حدی بود که وقتی پیامبر اسلام (ص) پس از هجرت به مدینه دست به ایجاد دولت اسلامی زد، مردم با وجود سؤالاتی که در زمینه حیض، هلال، انفاق و دیگر مسائل عادی مطرح می‌کردند و از پیامبر «ص» توضیح می‌خواستند در این مورد (تشکیل دولت) هیچ‌گونه سؤالی مطرح نمودند و توضیحی نخواستند و حتی جریان‌های پس از رحلت آن حضرت نیز با تمامی فراز و نشیب آن هیچ سؤالی نداشتند، دلیل آن نیز از همین احساس فطری سرچشمه می‌گرفت. هرگز شنیده نشد کسی بگوید: اصل انتصاب خلیفه لزومی ندارد یا دلیل بر لزومش نداریم، زیرا همه به انگیزه فطرت احساس می‌کردند که چرخ جامعه اسلامی بدون گرداننده، خودبه‌خود گردش نخواهد کرد و دین اسلام این واقعیت را که در جامعه اسلامی باید حکومتی



وجود داشته باشد، امضای قطعی نموده است (سایت پرسمان دانشجویی). در دیدگاه اندیشمندان و متفکرین اسلامی برای جلوگیری از هرج و مرج و ناامنی، رفع مخاصمات و بقای نسل بشر و برآوردن نیازها و احتیاجات آن، مقابله با دشمن و حفظ مرزها دولت ضروری است. همه اندیشمندان اسلامی، اعم از شیعه و سنی، همانند فارابی، ابن سینا، ماوردی، اخوان الصفا، عامری، غزالی، ابن جماعه، ابن خلدون، ابن تیمیه و... در آثار و کتب خود بر ضرورت دولت اشاراتی داشتند (لمبتون، ۱۳۷۴: ۵۰۳-۴۹۷). در این خصوص کلام حضرت علی «ع» روشنگر است، آنجا که خوارج شعار لاحکمه الا لله سر می دادند می فرمایند: «در جامعه باید حاکم (حکومت) وجود داشته باشد چه صالح و چه فاجر؛ تا مؤمن در حکومت او کار خویش کند و کافر بهره خود را برد و در سایه حکومت او مال دیوانی را فراهم آورند و با دشمنان پیکار کند و راهها را ایمن سازد و به نیروی او حق ناتوان را از توانا بستانند تا نیکوکردار روز به آسودگی به شب رساند و از گزند تبهکاران در امان ماند.» (نهج البلاغه، خطبه ۴۰).

حضرت علی «ع» از این محورها به عنوان وظایف اصلی حکومتها یاد می کند: نصیحت مردم، آگاهی بخشی به معنای راه درست و غلط را نشان دادن؛ توفیر فی، ایجاد رفاه و آسایش، تقسیم ثروت جامعه، بودجه و بیت المال؛ آموزش و تعلیم، برای جلوگیری از جهالت تمام زمینه های علمی، فنی و تکنولوژیکی و تربیت مردم نسبت به رعایت شؤون همدیگر و اخلاقیات در جامعه؛ تأسیس سیستم قضایی و مجازات متخلفین و گناهکاران از طریق قانون (نهج البلاغه، خطبه ۳۴۰). نامه حضرت به مالک اشتر (نهج البلاغه، نامه ۵۳) هم سرشار از سفارشات سیاسی و تذکر و یادآوری وظایف حکومت و حاکم در قبال مردم است (حسنی فر، ۱۳۸۳: ۱۲۹-۱۲۷). تردیدی نیست که بعثت انبیا و شریعت اسلام در جهت تحقق بخشیدن به یک سلسله اهداف مانند ایجاد امنیت در ابعاد مختلف آن بوده است و قرآن در مواردی از آن اهداف عالیه به صراحت یاد کرده است. پر واضح است که برای این منظور نیاز به وسائل و ابزار و امکانات



فراوانی است که باید در جامعه فراهم گردد و یکی از ضروری‌ترین آنها برنامه‌ریزی و تشکیلات اجرایی و دستگاه‌های حکومتی است.

اگر به وسعت و عمق این اهداف کلی و مراحل مختلف آن توجه کافی مبذول گردد، تردیدی باقی نخواهد ماند که اسلام اگر خواهان تحقق عینی این هدف‌ها است ناگزیر به ملازمه عقلی برپایی تشکیلات حکومتی لازم برای رسیدن به آن هدف‌ها را نیز خواسته است. دولت اسلام براینده نیازها و احتیاجات واقعی بشر است و در طی آیات و روایاتی که در ادامه این مقاله مورد اشاره قرار خواهد گرفت، مشخص خواهد شد که امنیت مهم‌ترین و بدیهی‌ترین مطلوب جامعه انسانی و ایمانی است و لذا در روایات، تأمین امنیت از وظایف مهم دولت به‌شمار آمده که نمونه‌هایی از آن ذکر می‌شود: در روایت فضل بن شاذان از حضرت رضا «ع» درباره فلسفه و حکمت جعل اولی الامر جلوگیری از تعدی به حقوق دیگران و منع ظالمان از تجاوز به ساحت مظلومان از وظایف خطیر حکومت به حساب آمده است (علل الشرایع: ۲۵۳). هم‌چنین در نامه‌ای که امیرمؤمنان «ع» به معاویه می‌نویسد، می‌فرماید: و الواجب فی حکم الله و حکم الاسلام علی المسلمین بعد ما یموت امامهم او یقتل، ضالا کان او مهتدیا، مظلوما کان او ظالما، حلال الدم او حرام الدم، الایعملوا عملا و لایحدثوا حدثا و لایقدموا یدا و لارجلا و لایبدئوا بشیء قبل أن یختاروا لأنفسهم اماما عقیفا عالما عارفا بالقضا و السنه یجمع امرهم و یحکم بینهم و یأخذ للمظلوم من الظالم حقه و یحفظ اطرافهم و یجیب فیئهم و یقیم حجتهم و یجیب صدقاتهم. «حکم واجب خدا و اسلام بر مسلمانان این است که پس از آن‌که پیشوایشان بمیرد یا کشته گردد، چه گمراه بوده و چه هدایت یافته، ستم‌دیده باشد یا ستمگر، حلال خون یا حرام خون، اقدام به هیچ کاری نکنند و حادثه‌ای پدید نیاورند و دست و قدمی به جلو نگذارند و هیچ عملی را پیش نیندازند؛ قبل از آن‌که رهبری با عفت، دانشمند، پرهیزگار، دانای به قضاوت و سنت برای خود برگزینند، تا او امورشان را سامان داده و بینشان به داوری بنشینند و حق مظلوم از ظالم ستاند و



مرزهای آنرا پاسداری کند و ثروت‌های عمومی آنان و زکات‌هایشان را جمع کرده و منطق و فرهنگ آنان را اقامه و از آن صیانت کند». در این نامه، آن حضرت با جمله: «يَأْخُذُ لِلْمَظْلُومِ مِنَ الظَّالِمِ حَقَّهُ» به امنیت داخلی و با جمله: «و يحفظ اطرافهم» به امنیت خارجی اشاره فرموده است و آنرا از اموری دانسته است که جز با وجود دولت و زمامدار، محقق نمی‌شود. این موضوع گرچه خود حقی از حقوق عمومی است ولی پس از تصدی دولت، ایفای آن به‌عنوان ادای حق عمومی و تکلیفی الهی و وظیفه دولت به‌شمار می‌رود (بحارالانوار: ۱۴۴).

امیرمؤمنان در رد منطق خوارج می‌فرماید: هولاء يقولون: لا امره الا لله و انه لا بد للناس من امير بر او فاجر، يعمل في إمرته المؤمن و يستمتع فيها الكافر و يبلغ الله فيها الاجل و يجمع به الفىء و يقاتل به العدو و تأمن به السبل و تؤخذ به للضعيف من القوى حتى يستريح بر يستراح من فاجر. «آنان می‌گویند: امارت جز برای خداوند نیست در حالی که مردم ناچارند امیری داشته باشند، نیکوکار باشد یا بد عمل، تا مؤمن در سایه حکومت او بر انجام وظایفش قیام کرده و کافر به زندگی خود پردازد و خداوند به هر کس عمر تعیین شده‌اش را عطا کند (کشت و کشتار موجب اجل‌های زودرس نشود) و ثروت مردم به‌وسیله او گردآوری شده و با دشمن نبرد شود و راه‌ها امنیت یابند و حق مظلوم از ستمگر گرفته شود، تا این‌که انسان‌های نیک در راحتی به سربرند و از ناحیه بدکاران ایمن شوند» (نهج البلاغه: ۸۲).

از دیدگاه حضرت علی «ع»، ناامنی مقوله‌ای است که با آنارشیسم و عدم وجود دولت آمیخته است؛ دولت و امنیت رابطه‌ای ساختاری و ماهوی دارند به‌گونه‌ای که برای تحقق آن چاره‌ای از وجود دولت نیست، حتی اگر زمامدار فرد یا گروهی فاسد و فاجر باشند و آن‌چه به‌عنوان آثار دولت و زمامدار در این خطبه آمده است رابطه‌ای مستقیم یا غیر مستقیم با مسأله امنیت دارد. این نکته را نباید از نظر دور داشت که حکومت فاجر گرچه برای مؤمن امنیتی کامل تأمین نمی‌کند ولی در مقایسه با آنارشیسم وجود ناامنی در آن کمتر است و لذا امنیت



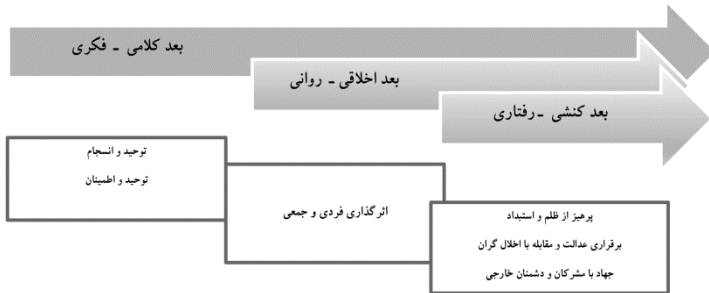
مورد نظر در این خطبه نسبی است. نکته دیگر این که مقصود از «بلوغ اجل‌ها» رسیدن اجل‌های طبیعی است؛ زیرا در اوضاع ناامنی و رواج قتل و تجاوز به نفوس، اجل‌ها پیش افتاده و قبل از رسیدن به حد عادی و طبیعی مقرر خود، اتفاق می‌افتند (موسوی کاشمیری، سایت مجلس خبرگان). هم‌چنین امام رضا «ع» در قسمتی از روایت طولانی که عبدالعزیز بن مسلم نقل می‌کند، فرمود: ..بالامام... منع الثغور و الاطراف؛ به‌وسیله امام مرزها و حدود کشور پاسداری می‌شود (اصول کافی: ۲۰۰). امام حسین «ع» نیز می‌فرماید: اللهم انک تعلم انه لم یکن الذی کان منا منافسه فی سلطان و لا التماس شیء من فضول الحطام ولكن لندرد المعالم من دینک و نظهر الإصلاح فی بلادک فیأمن المظلومون من عبادک و تقام المعطله من حدودک. «بار خدایا! تو می‌دانی که آن‌چه کردیم از سر قدرت طلبی و آز دنیاطلبی نبوده است، بلکه برای آن بوده است که نشانه‌های دین تو را برگردانده و اصلاح را در جامعه نمودار و ظاهر کنیم تا ستم‌دیدگان از بندگان احساس امنیت کرده و حدود تعطیل شده، جریان یابد» (تحف العقول: ۲۳۹). با ارائه تعریف و توضیحاتی که در ارتباط با نظام سیاسی اسلامی از جانب اندیشمندان و متفکرین دینی داده شد، هدف نظام سیاسی و دولت، «لزوم هدایت مردم به سمت سعادت و کمال و در نظر گرفتن ابعاد جسمانی و روحانی انسان و این دنیایی و آن دنیایی برای رشد» است.

این هدف در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی هم آمده است: «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی است» (مقدمه قانون اساسی، ۱۳۸۱: ۷) که حکومت در آن «به‌خود سازمان می‌دهد تا در روند تحول فکری و عقیدتی راه خود را به‌سوی هدف نهایی (حرکت به‌سوی الله) بگشاید» (مقدمه قانون اساسی، ۱۳۸۱: ۱۳) و «هدف از حکومت رشد دادن انسان در حرکت به‌سوی نظام الهی است تا و الی الله المصیر زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به‌منظور تجلی ابعاد خدا‌گونگی انسان فراهم آید (تخلقو باخلاق الله)



(مقدمه قانون اساسی، ۱۵:۱۳۸۱) پس به طور کلی هدف اصلی حکومت در قانون اساسی رشد معنوی انسان به سوی آمال ترسیم شده از طرف اسلام است. البته نفس وقوع انقلاب هم برافزایش مسئولیت‌ها و ابعاد آن و حداکثری شدن نظام سیاسی تأثیر می‌گذارد. در این زمینه هانتینگتون می‌گوید: «انقلاب‌ها، حکومت‌های نیرومند را جانشین حکومت‌های ضعیف می‌سازند. این حکومت‌های نیرومند بر اثر تمرکز قدرت و از این مهم‌تر، به‌خاطر گسترش قدرت در نظام سیاسی پدید می‌آیند [...] کارکرد تاریخی و راستین انقلاب‌ها، احیا و تقویت قدرت است.» (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۴۵۳). دولت‌های انقلابی غالباً به مداخله وسیع در عرصه اقتصاد می‌پردازند و سیاست‌های ملی کردن و دولتی نمودن بنگاه‌ها و مؤسسات اقتصادی را به‌سرعت اجرا می‌کنند. انقلاب، فرهنگ سیاسی جدیدی به‌وجود می‌آورد و ارزش‌ها و هنجارهای تازه‌ای را ترویج می‌نماید که این فرهنگ سیاسی جدید برگرفته از ایدئولوژی و آرمان‌های انقلاب است (معظم‌پور، ۱۳۸۲: ۳۲۱؛ حسنی‌ف، ۱۳۸۳: ۱۳۰).

مدل کارکردهای دولت در ایجاد امنیت سیاسی مطلوب جامعه دینی



نتیجه‌گیری

در اندیشه‌ی سیاسی مدرن دولت در فضای آنارشی مسئول امنیت و مراقبت از آن است. از این دیدگاه دولت‌ها موضوع اصلی امنیت هستند. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی نیز احساس امنیت سیاسی را می‌توان محصول کنش



متقابل اجتماعی دانست که از درون تعاملات متقابل افراد، گروه‌ها و نهادهای سیاسی متجلی می‌شود. به بیان دیگر احساس امنیت سیاسی در واقع نوعی تولید اجتماعی است و همه نهادهای اجتماعی و سیاسی در شکل‌گیری آن سهم هستند. بنابراین می‌توان گفت احساس امنیت سیاسی مفهوم چند وجهی و پیچیده است، زیرا اولاً احساس در فضای ذهنی و بین‌الذهانی شکل می‌گیرد؛ ثانیاً این احساس ناظر بر حوزه امنیت می‌باشد که خود واجد صفاتی چون ذهنی بودن، نسبی بودن و مانند آن است. ثالثاً این احساس امنیت در حوزه سیاسی می‌باشد که به تعبیر ماکس وبر حوزه قدرت است. از دید او برداشت ما از سیاست عبارت خواهد بود از مجموعه کوشش‌هایی که به منظور شرکت در قدرت به کار می‌رود. در این مقاله تلاش گردید تا بر مبنای الگوی سه‌گانه اسلام یعنی اعتقادات، اخلاقیات و احکام، مفهوم امنیت سیاسی در ابعاد «کلامی - فکری»، «اخلاقی - روانی» و «کنشی - رفتاری» در قرآن کریم به‌مثابه اسلام حق مورد بررسی و تبیین قرار بگیرد.

در این مقاله این‌گونه عنوان گشت که مفهوم امنیت در اسلام از جایگاه و اهمیت خاصی برخوردار است و قرآن کریم مهم‌ترین منبعی است که در اسلام مسئله امنیت را مورد توجه قرار داده است. قرآن کریم به‌طور کلی امنیت را یکی از اهداف استقرار و حاکمیت خداوند و استخلاف صالحان و طرح امامت بر شمرده و آن را برای جوامع بشری، ضروری دانسته است. هم‌چنین بیان شد که امنیت از دیدگاه اسلام و قرآن کریم دارای ابعاد و سطوح مختلفی از جمله ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و.. است و قرآن کریم برای دستیابی به امنیت در هر یک از ابعاد فوق، تدابیری دارد که از این میان، پژوهش حاضر تمرکز و تاکید خود را به دیدگاه قرآن کریم نسبت به امنیت سیاسی و چگونگی کسب آن اختصاص داده است. به باور تحقیق، مهم‌ترین راه‌ها یا الزامات دستیابی به امنیت سیاسی مواردی چون دوری از استبداد و ظلم، برقراری عدالت در جامعه و مقابله با اخلال‌گران داخلی و جنگ با دشمنان خارجی می‌باشند که در این



مقاله به هر یک از آنها پرداخته شد. هم‌چنین از مباحث ارائه شده این نکته را می‌توان استخراج کرد که در قرآن کریم در کنار توجه به ابعاد کلامی - فکری و اخلاقی - روانی، توجه ویژه و مفصلی به بعد کنشی - رفتاری امنیت سیاسی شده است.

منابع

- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۵). *امنیت در نظام سیاسی اسلام*، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
- اشرفی، اکبر؛ حمیدرضا داودی. (۱۳۹۰). «قانون‌پذیری و امنیت ملی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)»، *فصلنامه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل*، سال چهارم، شماره ۱۵، تابستان.
- *اصول کافی*، ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- افتخاری، اصغر. (۱۳۹۱). *امنیت*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- امام جمعه‌زاده، سیدجواد؛ درجانی، حسین. (۱۳۸۹). «امنیت در اسلام، مبانی و قالب‌های فکری»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی*، سال دوم، شماره ۵، زمستان.
- ایمان، محمدتقی؛ نوشادی، محمودرضا. (۱۳۹۰). *تحلیل محتوای کیفی، فصلنامه پژوهش*، سال سوم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
- بحارالانوار، ج ۳۳.
- برزگر، ابراهیم. (۱۳۷۳). *مبانی تصمیم‌گیری سیاسی از دیدگاه امام خمینی (ره)*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- برزگر، ابراهیم. (۱۳۸۸). *روانشناسی سیاسی*، تهران: سمت.
- برزگر، ابراهیم. (۱۳۸۹). *ساختار فهم اندیشه سیاسی اسلام، فصلنامه دانش سیاسی*، سال ششم، (۲).
- برزگر، ابراهیم. (۱۳۹۱). *آزادی در الگوی سه‌گانه اسلام*، کتاب چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی.
- *تحف العقول*، قم: انتشارات بصیرتی.
- ترکمنی‌آذر، پروین. (۱۳۸۹). «نقش هوشمندی و تدبیر سیاسی حکومت‌گران در ایجاد امنیت و توسعه جامعه (مطالعه موردی حکومت ترکان خاتون قراختایی در کرمان)»، *دوفصلنامه جستارهای تاریخی*، دوره اول، شماره اول، بهار و تابستان.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۸). *تنسیم؛ تفسیر قرآن کریم*، قم: مرکز نشر اسراء.



- حقدار، علی اصغر (۱۳۸۴)، قدرت سیاسی در اندیشه ایرانی، از فارابی تا نائینی، تهران: کویر.
- حسنی فر، عبدالرحمن، دولت و امنیت اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مجله پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، پاییز ۱۳۸۳ - شماره ۲۳.
- خمینی، روح الله. (۱۳۶۸). صحیفه نور، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ذاکر اصفهانی، علیرضا؛ صادقی، زهرا. (۱۳۸۷). «رویکرد اجتماعی به امنیت و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران، تهدیدات و راهکارها»، دوفصلنامه سیاست (پژوهش حقوق و سیاست)، سال دهم، شماره ۲۵، پاییز و زمستان.
- روشندل، جلیل. (۱۳۷۴). امنیت ملی و نظام بین الملل، تهران: سمت.
- رهامی، روح الله. (۱۳۹۳). امنیت انسانی و دولت (رهایی از ترس، رهایی از نیاز در دولت اجتماعی توسعه گرا)، تهران: میزان.
- زارع قراملکی، محمد. (۱۳۸۹). اصول تفکر سیاسی در قرآن، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین. (۱۳۷۴). تفسیر المیزان. ترجمه‌ی سیدمحمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۷۴). مبانی اندیشه سیاسی اسلام، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- لمبتون، ان کی. اس. (۱۳۷۴). دولت و حکومت در اسلام، ترجمه‌ی سید عباس صالحی و محمد مهدی فقیهی، تهران: مؤسسه عروج.
- قاسمی، فرهاد. (۱۳۶۸). «بررسی مفهوم امنیت در سیاست تازه بین الملل»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، سال بیست و دوم، شماره ۲۴۶-۲۴۵، بهمن و اسفند.
- کلینی، ابن جعفر. (۱۳۶۵). الاصول من الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، ابو جعفر (شیخ صدوق)، علل الشرایع، نجف، مکتب حیدریه، باب ۱۸۲، حدیث ۹.
- محمدی، علی. (۱۳۸۱). نگاهی به مفهوم امنیت در جهان امروز، جام جم مورخ ۳۰/۸/۸۱.



- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۲). *علل گرایش به مادی‌گری*. قم: صدرا.
- میراحمدی، منصور، شیری، اکرم. (۱۳۸۸). «عدالت سیاسی در گفتمان اسلام سیاسی فقهی»، فصلنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره ۴۸، زمستان.
- نراقی، احمد. (۱۳۸۰). *معراج السعاده*، تهران: پیام آزادی.
- نظری، علی‌اشرف؛ سازمند، بهاره. (۱۳۸۹). «توسعه و امنیت انسانی، امنیت انسانی به‌عنوان محور توسعه»، *دوفصلنامه سیاست (مجله پژوهش حقوق و سیاست)*، سال دوازدهم، شماره ۲۸، بهار و تابستان.
- نهج‌البلاغه، فیض‌الاسلام، صبحی صالح، خ ۴۰.
- یوسفی، حیات‌الله. (۱۳۸۹). *ساختار حکومت در اسلام*، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان.
- K. E. Rosengren. (2000). "Advances in Scan dinavia content analysis: An introduction" *Advances in Content Analysis*, In K. E. Rosengren (F.D.), p. 9-19.
- M. S. Poole & J.P. Folger. (2000). "Modes of observation and the validation of interaction analysis schemes", *Small Group Behavior*, vol 12, p.477-493; O. R. Holsti, *Content analysis for The Social Sciences and Humanities*.
[Http://www.majlesekhabregan.ir/fa/publications/mags/is_gv/magazines/024/07.htm](http://www.majlesekhabregan.ir/fa/publications/mags/is_gv/magazines/024/07.htm)
- P.melryn Leffler. "The American conception of National security and the Beginnings of cold war", 1945-48, *American Historical Review* 89 (2). 1984. PP.246-81.
- R. W. Budd & R. K. Thorp, & L. Donohew. (2002). *Content analysis of Communications*; K. Lindkvist, "Approaches to textual analysis", *Advances in content analysis*, Eds: K. E. Rosengren, p.23-41; D.G. McTavish.